

تروریسم اسلامی؛ قتل عام در پاریس! حزب حکمتیست (خط رسمی)

شامگاه جمعه ۱۳ نوامبر بار دیگر جهان شاهد يك سلسله عملیات تروریستی علیه شهروندان بیگناه، این بار در پاریس بود. سلسله جنایاتی که تا انتشار این اطلاعیه، ۱۲۸ کشته و ۲۰۰ زخمی برجای گذاشته است.

قتل عام کور تروریستی در پاریس، کشتار دسته جمعی و زخمی کردن صدها نفر از مردم بیگناهی که کمترین نقشی در جنگ و خشونت عنان گسیخته تروریست های اسلامی و دولتی ندارند، ایجاد وحشت و هراس در سوخت و ساز زندگی عادی مردم، بار دیگر جهانی را شوکه و مرعوب کرد و به ماتم کشاند.

این قتل عام، که حاصل يك سلسله عملیات تروریستی به رگبار بستن و عملیات انتحاری همزمان در رستورانها، کنسرت و استادیوم ورزشی است، عملیاتی که بی دفاع ترین بخش شهروندان بیگناه را قربانی سبعت و قتل عام خود کرد، بار دیگر چهره کثیف، جنایی و ضدبشری تروریسم اسلامی را در مقابل چشم همگان گذاشت.

افسار تروریسم عفونت بار اسلامی، که می چرخد و هر روز جایی جنایت جدیدی می آفریند را باید مهار کرد و همه سرکردگان جنایتکار آن را، در هر کجا و در هر جغرافیایی، دستگیر و به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه کرد.

بی تردید هیئت حاکمه فرانسه و دول غربی تلاش میکنند خون های ریخته مردم بیگناه در فرانسه را ابزار و وسیله تعرض بیشتر به حلقه های ضعیف تر، به شهروندان "خارجی" و به محرومین کنند و به بهانه حفظ امنیت، هرچه بیشتر محیط کار و زندگی مردم و جامعه را پلیسی و جنایی کنند. نباید اجازه داد این تروریسم عنان گسیخته اسلامی با تروریزه تر کردن محیط زندگی مردم در فرانسه و خاورمیانه و نقاط دورتر از اروپا، با تروریسم دولتی پاسخ گیرد.

اجرای عدالت، حفظ امنیت شهروندان و پایان دادن به این تروریسم عنان گسیخته، کار بشریت مترقی و در راس آن کمونیسم طبقه کارگر است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)
۱۴ نوامبر ۲۰۱۵

محور اتحاد جناحهای رقیب در انتخابات "تاریخی" پیش رو



امان کفا

وخت اوضاع و وضوح عدم اجرای وعده ها و قول های داده شده حاکمیت در مورد بهبود شرایط، بدان حد بیانگر بن بست کامل جمهوری اسلامی است که دعوای جناح های رقیب را دچار مشکلات اساسی کرده است. هرکدام به دیگری خرده می گیرند که صفوفشان متشنج و اتحادهای درونی شان شکننده است. هم "اصول گرایان" و هم "اصلاح طلبان" رسماً دربردارنده دنیال محوری برای اتحاد می گردند، و هر دو حاج و واج برای ارائه افقی به هذیان گویی مشغولند. اما آنچه هر دو بر آن اتحاد دارند این است که بایستی راه حلی برای "مشارکت مردم" پیدا کنند. هر دو به هر امکانی دست می برند تا انتخابات این دوره را "تاریخی" بنامند. با وجود کلی بد و بیراه گویی به هم دیگر، واضح است که هر دو خواهان ادامه همین شرایط موجود هستند و بار دیگر معلوم شده است که همانا رهبر، و شخص خود خامنه ای است که بر فراز این اختلافات، در راس هرگونه "اصلاح" سنجیده و "رعایت اصول اسلامی" بمثابة تضمینی برای ادامه حیات رژیم حتی در دوره برجام، و سرکوب هر اعتراضی نقش بازی می کند. ...

از معضل شرب خمر، تا داعیه های توخالی خامنه ای



فواد عبداللہی

خامنه ای در دیدار با روسای دانشگاه ها بر شکلگیری "تمدن نوین اسلامی" تاکید کرد و گفت:

"ایران در طول تاریخ، قله تولید فکر و علم بوده است و این روند تا قبل از دوران قاجار و پهلوی ادامه داشت. غربی ها به منظور تربیت مدیرانی براساس تفکر و سبک زندگی غربی از طریق دانشگاه ها در اجرای این طراحی خود در ایران، به دلیل هویت ایرانی و همچنین گسترش و تعمیق تفکرات اسلامی و دینی در میان دانشجویان و دانشگاهیان با مشکل مواجه شدند. اکنون مهم ترین سؤال این است که دانشگاه ها با استفاده از این میراث تاریخی و علمی و تجربه گران قدر انقلاب اسلامی، چگونه می توانند در شکلگیری "تمدن نوین اسلامی" که همان "جامعه آرمانی اسلام" است، نقش آفرینی کنند" ...

جعفر عظیم زاده و همه فعالین کارگری در زندان را آزاد کنیم



بختیار پیرخضری

جعفر عظیم زاده برای اجرای حکم شش سال حبس روانه زندان گردید. قاضی دادگاه او را به جرم پیگیری ابتدایی ترین حق کارگران و پایمال شدن خواست شان که تامین معیشت و رفاه است به شش سال زندان محکوم کرده است. جعفر بنا به حس انسان دوستی و حق طلبی و بی تفاوت نبودن در برابر ظلم و ستم و استثمار کارگران و بعنوان یک کارگر خستگی ناپذیر مخاطرات فعالیت در دفاع از کارگران تحت حکومتی بشدت ضدکارگری را به جان خرید. وی نه به کسی کمترین آزاری رسانده بود و نه مال کسی را خورد بود، نه جیب کسی را زده بود و نه اختلاس کرده بود. فعالیت های جعفر در بیشتر کشورهای دنیا و حتی طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی در ایران هم مثلاً قانونی است! و هیچ دلیلی ندارد که وی نه شش سال بلکه حتی شش روز هم در زندان باشد. این تعرضی بیش نیست و باید آن را عقب زد. جمع آوری چهل هزار امضاء کارگران خطاب به دولت، اعتراض به حقوق معوقه، فعالیت و پیگیری بیمه بیکاری برای همه کارگران، اعتراض سالانه به ...



از: هیئت نظارت بر انتخابات کنگره
هشتم
به: اعضا حزب حکمتیست (خط رسمی)
موضوع: انتخابات نمایندگان کنگره

رفقای عزیز!

همراه این نامه آئین نامه انتخابات نمایندگان کنگره هشتم حزب حکمتیست را دریافت میکنید. انتخابات نمایندگان کنگره با دریافت آئین نامه عملاً شروع خواهد شد. لذا و بدینوسیله از همه کمیته های حزبی و ارگانها و مسئولین عرصه های مختلف درخواست میشود که انتخابات در حوزه های خود را در شروع و اعضا تشکیلاتی خود را در مورد چگونگی انتخابات در حوزه مربوطه را مطلع کنند. همزمان از کل اعضا حزب در خواست میکنیم که در مورد چگونگی کاندیداتوری و شرکت در انتخابات با مسئولین تشکیلات خود و با هیئت های نظارت بر انتخابات در تشکیلات مربوطه تماس بگیرند.

همینجا به اطلاع میرسانیم که انتخابات در کل تشکیلاتها باید حداکثر تا ۱۰ دسامبر پایان یافته و گزارش رسمی آن به هیئت نظارت بر کل انتخابات کنگره هشتم برسد.

با احترام
از طرف هیئت نظارت بر انتخابات
کنگره هشتم حزب
خالد حاج محمدی
۱۶ نوامبر ۲۰۱۵

آئین نامه انتخابات کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

مصوب کمیته رهبری ۷ اکتبر ۲۰۱۵

I- مطابق اصول سازمانی حزب، در کنگره تشکیلاتهای حزب به تناسب وزنه آنها در عملکرد و استراتژی حزب نمایندگی میشوند. نمایندگان تشکیلات های زیر در کنگره شرکت خواهند کرد:

- ۱- تشکیلات حزب در داخل کشور
- ۲- تشکیلات حزب در خارج کشور
- ۳- کمیته مرکزی
- ۴- دفتر کردستان
- ۵- سازمان مرکزی

II- توزیع نمایندگان به شرح زیر است:

- ۱- تشکیلات حزب در داخل کشور ۵۰ درصد
- ۲- تشکیلات خارج کشور ۳۰ درصد
- ۳- کمیته مرکزی ۸ درصد
- ۴- دفتر کردستان ۱۰ درصد
- ۵- سازمان مرکزی ۲ درصد

III- با توجه به محدودیتها و مسائل امنیتی چگونگی تعیین نمایندگان تشکیلات داخل کشور و نحوه نمایندگی شدن آنها در کنگره در دستورالعملهای ویژه که به تصویب کمیته داخل، و تأیید کمیته رهبری رسیده باشد، ابلاغ میشود.

IV- اعضا:

- ۱- هر عضو حزب در انتخابات یک رای دارد.
- ۲- هر عضو تنها در حوزه انتخاباتی تشکیلات خود در رای گیری شرکت میکند.
- ۳- هر عضو تنها در یک حوزه انتخاباتی میتواند خود را کاندید کند.
- ۴- اعضای که در چند تشکیلات فعال

هستند باید تشکیلات اصلی خود را تعیین کنند و در حوزه های آن ثبت نام کنند.

۵- انتخابات یک مرحله ای است و نمایندگان با اکثریت نسبی آرا از میان کاندیدها انتخاب میشوند.

۶- هر عضو حزب میتواند خود را در هر حوزه ای که مایل باشد کاندید کند.

۷- هیات های نظارت بر انتخابات کمیته مرکزی یک هیات سه نفره شامل فواد عبداللّهی، امان کفا و خالد حاج محمدی را برای نظارت بر انتخابات در کل حزب تعیین کرده است. این هیات بر انتخابات نظارت و نتیجه قطعی انتخاب نمایندگان را اعلام میکند.

VI- مراحل انتخابات

- مرحله اول اعلام رسمی انتخاب نمایندگان و سهمیه حوزه های انتخاباتی
- مرحله دوم اسم نویسی کاندیداهای انتخاب نمایندگان
- مرحله سوم رای گیری

- مرحله چهارم شمارش آرا و اعلام نمایندگان

VII- شکایات

همه اعضا میتوانند ظرف حداکثر یک هفته از اعلام نتیجه انتخابات در صورت لزوم به عدم انطباق انتخابات با آئین نامه ها و مقررات اعلام شده به هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شکایت کنند. هیات نظارت میتواند انتخابات را ملغی و آنرا تجدید نماید. در صورت شکایات از هیئت نظارت بر کل انتخابات، کمیته رهبری رسیدگی خواهد کرد.

IX- کمیته های داخل و خارج کشور میتوانند آئین نامه تکمیلی انتخابات تشکیلات خود، شامل حوزه بندی و توزیع نمایندگان میان حوزه ها، تعیین هیئت نظارت بر حوزه مربوطه و نحوه رای گیری و شمارش رای و غیره را، تدوین و بر اساس آن انتخابات حوزه خود را برگزار کنند.

محور اتحاد ...

تمام هنر رهبر و دستگاه عریض و طویل ولی فقیه در این است که بالانسی مناسب برقرار سازد. بی جهت نیست که هفته گذشته طرح دوفوریتی معلوم شدن بودجه و منابع درآمد های پرداختی حتی نامزدهای انتخاباتی را نیز خامنه ای مطرح می کند. بهرحال همین حد توافق بر نقش رهبر برای جناح های رژیم کافی است تا جلوی بهم ریختن اوضاع را بگیرد و چهره ای از توازن بین جناح ها را کماکان برقرار نگه دارد. نیاز به یک مرجع مقتدر و یک مقامی که حرف آخر را بزند، بخش تعیین کننده و هویتی است که نه جمهوری اسلامی بلکه کل بورژوازی در ایران به مثابه یک کشور تحت سلطه به آن نیازمند است. این همان امری است که از ابتدا در پروسه مذاکرات نیز مورد تأکید اوباما و خواست کشورهای ۱ + ۵ بوده است و رسماً اوباما هم بر اهمیت حضور مستقیم خامنه ای و تأیید وی، پا فشاری کرده بود.

در عین حال، کارآیی این مقام رهبری در مقابل کل جامعه نیز بایستی به وضوح دیده شود. اینجاست که ارائه طرح و نشان دادن راه خروج از شرایط وخیم فعلی، و امکان هرگونه آینده ای، برای افزایش و رشد و گردش سرمایه و مقبولیت آن برای بورژوازی ایران هم جزو وظایف رهبر قرار می گیرد. طرح "اقتصاد

مقاومتی" خامنه ای هم از همین نیاز برخاسته است. این همان طرحی است که تحت نام "گسترش تولیدات داخلی در مقابل کالاهای وارداتی" قرار است که پیام آور بوجود آوردن اشتغال و خروج از شرایط وخیمی که گریبان اکثریت جامعه را گرفته است، تبلیغ می شود. طرحی که به روشنی از زیر لوای "احترام به تولیدات وطنی"، از میان برداشتن هرگونه محدودیتی بر استثمار شدید کارگر در ایران را دنبال می کند.

دفاع از دنبال کردن پروسه برجام و دروهای متعدد به هیئت مذاکره و دولت از یک طرف، و پیشبرد و از میان برداشتن هر گونه محدودیتی در استثمار روزافزون کارگر، کل سیاستی است که ولی فقیه ارائه کرده است. این هم همان سیاستی است که جناح های فعلی جمهوری اسلامی، همگی بر آن وحدت نظر دارند و همچنین رسماً بر وظیفه دولت برای پیشبرد این سیاست توافق کرده اند. دقیقاً همین سیاست است که حجاریان در مصاحبه اش از آن به عدم چالش شورای نگهبان و "بی بدیلی" نام می برد و محبوب در مصاحبه اخیرش در روزنامه اعتماد، به نحوی دیگر، بر آن صحنه گذاشته است. "تاریخی" بودن این انتخابات، در همین وحدت نظر جناح های گوناگون جمهوری اسلامی است.

اما همچون هر پدیده دیگری، ما به ازاء همین توازن و هم نظری موجود، به مشکلی در مقابل کل این حاکمیت بدل

می شود. زدودن "فتنه" و به خط کردن جناح ها در پشت سر پرچم ولی فقیه، به عبارتی دیگر، بالا بردن دوز اتحاد نظر در میان جناح ها، به همان اندازه بر توانایی جمهوری اسلامی و کل بورژوازی از تحمیق و فشار به مردم برای "مشارکت" و سیاه لشگر کردن مردم به دنبال این و یا آن نامزد و جناح جمهوری اسلامی در انتخابات می کاهد. این مخمصه ای است که کل حاکمیت، جدا از جناح بندی های درونی اش با آن روبروست. این را هیچ اندازه از تبلیغات جناح ها، و مشاوران چپ و راست بورژوازی و جمهوری اسلامی سرمایه، از حزب توده و اکثریت گرفته تا زیباکلام، از نماینده خانه کارگر تا شریعتمداری، نمی توانند پرده پوشی کنند. کنار رفتن تصاویر جناحی و راه های پیشبردی که در مقابل جامعه ابراز می شود، بدین معنی است که بار دیگر، و پس از یک دوره نسبتاً طولانی از عمر جمهوری اسلامی، اینبار کل جمهوری اسلامی، در یک تصویر مشابه در مقابل جامعه قرار دارد. این هم، به این اعتبار بخشی از "تاریخی" بودن این انتخابات است.

جمهوری اسلامی با ولی فقیه و دولت اعتدالش، امروز در یک قامت سیاسی متحد، در مقابل کل جامعه قرار گرفته است. شناختن این واقعیت، به همان درجه نشانی از فرصت مناسبی است که طبقه ما هم بتواند در مقابل کل حاکمیت، ظاهر شود. زمانی که همچون

نیرویی متحد، در قامت طبقه ای که با شناخت منافع طبقاتی اش، برای خود و برکندن کل این نظام کارمزدی، ظاهر شود. این هم مسلماً وظیفه ای است که بر عهده نیروی کارگران کمونیست و حزب ما است.

حکمتیست، هستی را

بخوانید و آن را تکثیر و

پخش کنید!

حکمتیست را بدست

کارگران برسانید!

زنده باد انقلاب کارگری!

”منشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران“ را برافرازید!

<http://hekmatist.com/2015/HekmatistManshour.html>

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)، بعنوان نیروی پیشرو کارگران در ایران، بعنوان نیروی پیشرو جنبش رهایی زن و جنبش اسلام زدایی در ایران، بعنوان نیروی پیشرو همه آزادیخواهان و برابری طلبان، رئیس اصلی حقوق مسلم و انکارناپذیر کارگران و محرومین ایران را، که نهایتاً یک قیام توده‌ای به رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست اش ضامن تحقق آنهاست، به صراحت اعلام مینماید.

مبارزه ما برای برابری، رفع تبعیض و رفاه جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. مبارزه‌ای که سرنوشت جمهوری اسلامی ایران، اولین شرط پیشروی و پیروزی آن است.

ما مردم محروم ایران را به برافراشتن پرچم این اهداف انقلابی، در برابر جمهوری اسلامی و هر نیروی مدافع استثمار و استبداد، و برای مقابله با گسترش فقر و نا امنی و محرومیت، فرامیخوانیم.

جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی صرفاً نظاره گر اوضاع خواهد ماند. راه حل، صبر و انتظار و هزینه دادن بیشتر نیست؛ آبی از این جمهوری و جدال جناح های بورژوازی آن برای ما گرم نخواهد شد. اگر جمهوری اسلامی جرثومه ارتجاع قرن است، طبقه کارگر و کمونیستها ادامه دهنده و نماینده مبارزات پیگیری هستند که در سراسر قرن در مقابلش ادامه داشته است. افق و جنبش آل احمد و شریعتی و خمینی به انتهای خط خود رسیده است. باید جنبش و پرچم ”کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما“ را دوباره بلند کرد. باید متحزب شد، برنامه داشت و اتحاد و همبستگی کمونیستها و رهبران کارگری را تضمین کرد. جامعه ایران یک انقلاب کارگری و کمونیستی را به تاریخ بدهکار است. انقلابی که تنها یکی از ارکانش دفاع از سکولاریزم و رنسانس و مذهب زدایی از جامعه است.

۴- فقط یک طبقه کارگر آگاه، متشکل و متحزب میتواند زمان این تسویه حساب را فرا بخواند.

هدف ”برجام“ همین بود؛ دخالت در خاورمیانه و موش دوانی در این منطقه، تکیه گاه امروز بورژوازی ایران و همه جناحهای آن به سرکردگی خامنه‌ای است. این آن ملات درونی است که کل این طبقه را به هم چسبانده است و امنیت اوضاع را برای سرمایه و سرمایه دار در ایران از گزند تعرض طبقاتی به دولت و حاکمیت آن فی الحال مصون نگه داشته است. بی خود نیست که ”اصلاح طلبان“ شریک این تکیه گاه اند و عملاً در برابر دولت اعتدال و ”آقا“ غلاف کرده اند؛ میدانند که در شرایط خطر امروز، کاپیتان ”قطار اصلاحات“ کسی جز خود خامنه‌ای نیست. هم اکنون در سایه ”آقا“ و فاکتور خاورمیانه است که تمامشان میخورند، میچرند، میزنند، میگیرند و میکشند و وقت میخورند.

۳- این نمیتواند سرنوشت محتوم طبقه کارگر و اکثریت مردم محروم ایران باشد. بدون یک صفبندی طبقاتی در مقابل اردوی بورژوازی ایران و به این اعتبار دخیل شدن در امر سیاست، طبقه کارگر و

سنگ برای ریشه کن کردن قوانین مذهبی از جامعه اند.

۲- این رژیم نتیجه همان فاکتورها و دلایلی است که سایر فجایع قرن را ببار آورد. فاجعه بخون کشیدن دنیا در دو جنگ جهانی، فاجعه فاشیسم و کوره های آدم سوزی، آپارتاید آفریقای جنوبی، تسویه حساب های خونین قومی و نژادی و ملی در نیمی از اروپا، فاجعه القاعده و طالبان در افغانستان، فاجعه جنگ علیه عراق و سوریه و لیبی، فاجعه به شکست کشاندن انقلابات بهار عربی، فاجعه داعش در خاورمیانه، جنایات اسرائیل در حق مردم فلسطین و ... اینها همه نهایتاً نتیجه مقاومت و تعرض ارتجاع جهانی و دول پاسدار حاکمیت سود و سرمایه بر جهان، در پاسخ به خیزش ها و مبارزات مداوم مردم دنیا برای رهایی و آزادی بوده است. دول غربی حامی حکومت شاه، قدرت مقابله با انقلاب ۵۷ را نداشتند، اسلام را از در پشتی وارد گود کردند. رژیم را بر سر کار آوردند که هم انقلاب ۵۷ را کاملاً به خون کشید و به شکست کشاند و هم امروز در جرگه عربستان، کویت، قطر و ترکیه بعنوان عضوی از کلوپ ”جامعه جهانی“ جایگاه رفیعی در لیست فجایع قرن و ادامه تحمیل استبداد بر گرده طبقه کارگر و اکثریت جامعه پیدا کرده است. به این اعتبار، بورژوازی ایران جز حکومت های مختنق مانند قاجار، پهلوی و دایناسورهای اسلامی چون خمینی و روحانی و مقام معظم، تولید نمی کند و در نتیجه، بدون آقایی استبداد یک روز هم دوام نخواهد آورد. بنابراین، رسالت جمهوری اسلامی همانند همه حاکمیت های پیشین بورژوازی در ایران، مکیدن خون کارگر، ضدیت با کمونیسم و برابری طلبی و تضمین سودآوری و بازتولید سرمایه است. برای حفظ امنیت سرمایه و تامین کار ارزان و مفت، سر پا ماندن دستگاه سرکوب و بازتولید استبداد ضروری است و اساساً به علت همین فاکتور کلیدی است که بورژوازی بین المللی تماماً زیر بغل جمهوری اسلامی را گرفته است. بنابه این دلایل، نیرو و توان بورژوازی ایران چیزی جز آزمون و تجربه دو حکومت ”وابسته“ و ”مستقل“، یکی سلطنتی و دیگری اسلامی، نیست. و به این اعتبار، ناسیونالیسم این طبقه، چه از نوع شرقی یا چه غربی آن قادر به مانور دادن خارج از محور استبداد و ارتجاع نیست. نظام و ”تمدن نوین اسلامی“ مقام معظم، امروز تنها و تنها به امید یک فاکتور نفس می کشد: آنهم شرکت در تخریب بیشتر خاورمیانه و سهیم شدن ایران در کنار عربستان و ترکیه در مدیریت این باتلاق است و حقیقتاً نیز کل

از معضل شرب خمر...

۱- این روزها مقام معظم اینجا و آنجا مرتب در پی ترمیم شکاف در مبانی اسلام و جبران هزیمت ایدئولوژیک رژیم در حاکم کردن قوانین اسلامی بر جامعه و برپایی بهشت مستضعفین است. قوانین حاکمیتی که در دنیای معاصر به کسب رتبه های فوقانی برای ایران در راس هرم بیکاری، فقر، فحشا، اعتیاد، اعدام و تحمیل اختناق در جهان انجامیده است. بعد از برجام اینبار ”آقا“ در صدد است که این بحران اسفبار هویتی را با خزیدن در خندق یک ناسیونالیسم اسلامی به ”ملت“ بفروشد. خندقی که هم بتواند در آن دوشادوش آرمانهای دیرینه ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و ”میراث تاریخی“ سلطنت علیه اکثریت مردم محروم سنگر بگیرند و هم ”تمدن نوین اسلامی“ را دست در دست حزب توده - اکثریت، نگهدارند و بهندودها، بی بی سی، جبهه ملی، بنی صدر، و نبوی و ”نواندیشان“ دینی غرقه قراضه و کساد ”روز آتالین“ تضمین کنند. علاقه خامنه‌ای به علم و توسعه و شکلگیری یک ”تمدن نوین اسلامی“ را فعلاً نشنیده بگیرید، معضل شرب خمر در ضیافت کاخ الیزه با حضور روحانی و قافله لنگ دولت اعتدال را حل کنید. رساله توضیح المسائل آیات عظام را ورق بزنید و فرمول مناسبی برای عقب نشینی های بیشتر اخلاقیات و ارزشهای مهوع اسلامی پیدا کنید. اگر اروپا از قرنهای قبل، توسط رنسانس و انقلاب کبیر فرانسه با مذهب تسویه حساب کرده بود و در سطح سیاسی، فرهنگی، علمی، فلسفی و در سطح کل جامعه مذهب را عقب رانده بود، اما در ایران هیچگاه این تسویه حساب انجام نشد. اولین بارقه های روشنگری علیه مذهب در انقلاب مشروطه زیر هجوم مشروعه فلج شد و در تمام دوره های بعد نیز مذهب در مقابله با خیزش ها و جنبش های آزادیخواهانه مردم نقش فعالی ایفا کرد. بورژوازی ایران که از بالا به قدرت سیاسی رسید، نه تنها هیچگاه پرچم روشنگری و آتیه ایسم و سکولاریسم را بلند نکرد، بلکه در هراس از کمونیسم و انقلاب کارگران به عباي آخوند آویزان شد و اسلام را بعنوان سنگر ارتجاع در صحنه سیاست ایران حفظ کرد. بویژه در دو دهه بعد از کودتای ۲۸ مرداد، خیل به اصطلاح روشنفکران عقبمانده و شرقزده میداندار شدند و ارتجاع اسلام را بعنوان ”فرهنگ و مکتب انقلابی خودمان“ علم کردند. جنبشی ارتجاعی که میراث دارش جمهوری اسلامی است. امروز مردم ایران، عمق باورها و ایدئولوژی اسلامی رژیم را به کناری نهاده اند، و در حسرت حرکتی

مرکز بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

کارگران جهان متحد شوید!
Workers of The World Unite!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیت (نقطه رسمی)

hekmatist.com

متحد شوید و از قدرت تان در کار و امکان استفاده از آن و توان تان در شکل دادن به عصاب بخصوص در مراکز مهم و بزرگ صنعتی، استفاده کنید، ورق برخواهد گشت. و آن روز هیچ نیروی نظامی و امنیتی نمی تواند کوچکترین تعرضی را برای سرکوب تان سازمان دهد. اگر شیرهای نفت، گاز و برق را ببندید نیروهای امنیتی سوخت برای روشن کردن ماشین سرکوب شان ندارند. بخش زیادی از نیروهای ارتشی و انتظامی از خانواده های کارگری هستند.

اینها اگر همت و قدرت شما را ببینند
به شما می پیوندند، به همین سادگی.
پس به خود بیایید، متحد و متمسک شوید
و به نیروی خود تعرض های ضدکارگری را
در هم شکنید!

می خیزند و خیابانهای اروپا و امریکا را در دفاع از شما قرق میکنند.

شما می توانید الگوی طبقه کارگر در
سراسر جهان باشید.

همین هفته گذشته در سندج صدها هزاران نفر با سرو انترناسیونال (سرود همبستگی کارگران جهان) یکی دیگر از فعالین کارگری را بدرقه کردند. بدون شک اگر جمعیت شان قابل توجه نبود نیروهای امنیتی به آنها حمله و تعرض میکردند. اما چون هم جمعیت قابل توجهی بودند و هم چون متحد بودند، جمهوری اسلامی جرات هیچ نوع عکس العملی را به خود نداد.

این فقط یک نمونه کوچک در ابعاد چند صد نفره است. بدون شک اگر هزاران و صدها هزار کارگر استثمار شده از شما، که امکان تامین هزینه زندگی خود و خانوادتان را ندارید، متشکل و

فی الحال چندین نفر از فعالین کارگری را دستگیر و با احکام سنگین را به آنها ابلاغ کرده اند. جمهوری اسلامی دچار بحران عمیقی شده است. جناحهای مختلف سرمایه در درون نظام هر روز در مجلس و رسانه ها دعوای های شدیدی با همدیگر دارند و در همین راستا است که حمله شدیدی را به فعالین کارگری آغاز کرده اند.

حکومتها از فعالین کارگری هراس زیادی دارند. ترسی که از طبقه کارگر و حزب کمونیستی دارند از هیچ نیروی دیگری ندارند. به خوبی می دانند که اگر طبقه کارگر به خود بیاید نه پلیس ضد شورش، نه باتوم و گلوله و نه حتی توپ و تانک هم جلودارش نیست. دولتها به قدرت و نیروی عظیم و نهفته طبقه کارگر در به زیر کشاندن حکومتهایشان آگاهی کامل دارند و این را به خوبی متوجه شده اند، اما این کارگران هستند که این مهم را درک نکرده ند و به قدرت و نیروی عظیم خودشان اطمینان ندارند و باید به خود بیایند و به پا خیزید.

راه چاره برای آزادی همه زندانیان سیاسی و همه فعالین کارگری چون جعفر عظیم زاده و یارانش و البته برای برچیدن استثمار و بردگی فقط در اتحاد و همبستگی شما، در برپایی مجامع عمومی کارگری برای دخالت متدانه و جمعی در اوضاع معیشتی و سیاسی، در تشکیل کمیته های کمونیستی در کارخانه و محل زندگی، در ایجاد کمیته های کنترل محل، در جلوگیری از هرنوع دستگیری و تعرض به طبقه کارگر و فعالین این طبقه، و بالاخره در خواباندن همه چرخهای کارخانه و بستن شیرهای نفت و به زیر کشیدن حکومت جهل سرمایه است. کلیدهای کارخانه ها و شیرهای نفت در دستان شما است. این نقطه قدرت ما و طبقه کارگر و کانون امید برای تغییر اوضاع به نفع طبقه کارگر و همه محرومان جامعه است. تعجیل کنید تا شاهد ترازوی های دیگری نباشیم و همه از قد بردگی و استثمار نجات یابیم.

اگر شما به خود پیائید و اعتصاب و اعتراض سازمان دهید، بدون شک حامیان و طرفداران شما در خارج کشور، تبعیدی ها، فعالین کارگری و حتی طبقه کارگر در سراسر جهان هم در حمایت از شما بر

تعیین حداقل دستمزدها، اعتراض به
زندانی کردن فعالین کارگری، اعتراض به
استثمار کودکان کار و دهها معضل دیگر
که یقه کارگران را در ایران گرفته است
جزو فعالیتهای جعفر و سایر فعالین
کارگری است. نه جعفر و نه هیچ فعال
کارگری برای خواست این مطالبات نباید
نه فقط زندانی نشود بلکه نباید اجازه
داد آنها را حتی مورد بازخواست قرار
دهند.

کارگران و خانواده های کارگری!

جعفر را از زندان آزاد کنیم، اجازه ندهید او را هم به سرنوشت شاهرخ زمانی دچار کنند. زندان های جمهوری اسلامی هیچ امنیتی ندارد و هیچ بعید نیست که بلایي چیران ناشدنی را به سرش بیاورند و فردا برای عکس العمل بسیار دیر باشد! از بین بردن فعالین کارگری و مبارزین در زندان تاکتیک جدیدی نیست و به قدمت حاکمیت رژیم، این تاکتیک در زندان و بیرون از زندان وجود داشته است.

جعفر و سایر فعالین کارگری به خاطر دفاع از حقوق اولیه شما اعتراض و مبارزه می کنند. پس نباید شاهد و نظاره گر زندانی کردن و کشتن آنها باشیم.

” بس است دیگر “ به خود بیائیم و اجازه ندهیم بیشتر از این قربانی بدهیم. باید زندانها و دادگاهها را با جمعیت صدها هزار نفره قرق کرد، باید جمهوری اسلامی را وادار به آزاد کردن جعفر و سایر فعالین کارگری کرد. این کار سختی نیست فقط همت شما را می خواهد. اگر فقط یک روز و چند ساعت جمعیتی هزاران نفره در مقابل زندان جمع شوند و اعتراض کنند، اگر در چند مرکز مهم صنعتی در اعتراض به دستگیری و بازجویی فعالین کارگری تهدید به اعتصاب کنید و حتی عملاً در اعتراض به این احکام ضدکارگری دست از کار بکشید جمهوری اسلامی مجبور به عقب نشینی میشود و خیال دستگیری های بیشتر را از سر بدر میکند.

در دولت اعتدال هم و بخصوص بعد از توافقات هسته ای تعرض به طبقه کارگر و فعالین کارگری نه تنها تخفیف پیدا نکرده است که همچنان ادامه دارد و

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت، بدون زندگی در شرایطی امن، که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب، و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند، ممکن نیست.

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق میکند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مدافع برجیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی است.

“مشور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران”
را دست گیرید!

<http://hekmatist.com/2015/HekmatistManshour.html>

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com

قدرت طبقه کارکرد تخریب و تشکل اوست!